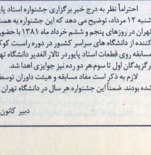

گفت گوبا رضا مهدوی

نمی خواهیم موسیقیدان تربیت کنیم!

درآمد:

تصویب برنامه تدریس مبانی هنرهای صوتی- و در واقع؛ پیش زمینه ای برای آموزش هنر موسیقی و دیگر هنرهای مهجور این سرزمین- واقعه ای بودکه اگر چه کمترین توجه را بین طیف های مختلف جامعه موسیقی امروز برانگیخت ،ولی بی تردید ، بیشترین سهم و مهم ترین نقش را در تربیت هنرمندان آینده جامعه خواهد داشت .علی رغم مخالفت هایی که با این طرح وبرنامه های آن از این سو و آن سو می شد ، سالها کار پیگیر و دقیق شورای متخصصان و کارشناسان،نتیجه خود را بخشید و در کتاب آموزش هنر در مقطع ابتدایی مدارس انعکاس یافت . گفت وگو با آقای رضا مهدوی - از فعال ترین اعضای شورای کمیته هنر دفتر تالیف و برنامه ریزی کتب درسی وزارت آموزش و پرورش(و یکی از کوشاترین تلاشگرانی که این طرح را به ثمر رسانده است) حول محور مسائلی است که ابعاد مختلف آن را تعریف می کند و بر خلاف تصور بسیاری که از دور دستی بر آتش دارند ، اصلاً به قصد تدریس موسیقی و تربیت موسیقیدان پی ریزی نشده است. رضا مهدوی ، موسیقی دان، مؤلف، مدیر گروه موسیقی دانشگاه سوره و رئیس مرکز موسیقی حوزه هنری ، بازگوکننده بسیاری از نکته ها است که می تواند برای همه دوستداران آن جذاب باشد.

این واقعه یعنی تدریس موسیقی درمقطع دبستان ،از بحث انگیزترین وقایع موسیقی امسال است. بخصوص با محدودیتهایی که بوده وهست، می دانیم به ثمر رسیدنش مراحل مشکلی داشته است. با توجه به اوضاع فعلی و سابق، انتشار کتاب های برنامه درسی هنر (دوره ابتدایی) آشنایی با هنر، وکتاب در حال انتشار پیش دانشگاهی «آشنایی با موسیقی» که شمامؤلف آن هستید و کتاب پیش دانشگاهی «آشنایی با هنر» حتماً مسائل و روایتهای زیادی داردکه بخش اعظمی را نزدیکان می دانند و بخش مهم آن را بهتر است خودتان بگویید.

حقیقت ماجرا به ۴ یا ۵ سال پیش بر می گردد که قرار شد یک تحولی در آموزش و پرورش در درس هنر در بعد از انقلاب ایجاد شود . چه بسا در قبل از انقلاب و گذشته های دور وقتی ما برنامه ها را مرور می کردیم ، می دیدیم از ۸ ساعت به ۶ ساعت و به ۴ ساعت و به ۳ ساعت و بعد از انقلاب به ۱ ساعت تقلیل پیدا کرد این ۱ ساعت هم حدوداً جنبه نمایشی داشته است ! به درس ریاضی و یا «جبرانی» دیگر دروس، اختصاص پیدا می کرد و هر وقت در دروسی وقت کم می آوردند، از فضا و ساعات کلاس هنر استفاده می کردند.

بعد از فشارهای فراوان از سوی اولیا و مربیان وآنها که دلسوخته این قضیه بودند ، تدریس مجدد دیگر دروس هنری هم مطرح می شود و آموزش و پرورش ناچاراً مقداری دست به عصا عمل می کند . لازمه آشنایی و کار موسیقی، معرفت است. فلسفه وجودی معرفت که همانا روح دینی است ، در وجود کودکان و دانش آموزان موج می زند که می بایست در چنین سنینی توسط مرکزیتی مثل آموزش و پرورش با باورهای دینی، آن را در غلیان بیاندازد. یک تیم جدیدی دعوت به کار می شود که ما هم از جمله آن افراد بودیم و از ما خواستند درس هنر را در برنامه درسی وسیع تر ببینیم ، از جمله صنایع دستی و نقاشی، موسیقی ، نمایش و کار دستی و... بگذاریم که افزون بشود بر خط مشی ای که سابق بوده است . مبنی بر اینکه چه تغییری در بچه ها ایجاد می شود ، آیا انگیزه بهتری در درس خواندن به وجود می آید ، یا اینکه فضای کلاس نشاط انگیز و فعال می شود ؟ همه اینها از سه بعد جامعه شناسی ، روانشناسی و هنر، بحث و مشورت شد تا اینکه طرح یک کتاب جامع بیشتر برای معلمین (نه شاگردان) تصویب شد . تصمیم گرفتیم هنر را در مدارس به عنوان یک ابزار شناخت و استعدادیابی داشته باشیم نه درسی که معلمها در سر کلاس معمولی می دهند . کار بر این است که طی یک سیستم آزاد وباز ، کمک شود که کودکان هر چه در درون خود دارند ، بیرون بریزند و کار معلم ، فقط استعدادیابی باشد و بفهمد کدام بچه در کدام شاخه استعداد بیشتری دارد. در نهایت آن را تقویت کند و به اولیای مدرسه و خانواده او تفهیم کند که این بچه آینده خوبی در این رشته می تواند داشته باشد . هدف این درسها این نبوده که بخواهیم آموزش صرف داشته باشیم. خیر، مبانی دروس طوری طراحی و تنظیم شد که آنچه موارد و مواریث فرهنگیمان هست، بازیابی بشود و به نسل جدید انتقال داده شود تا در آینده شاهد این باشیم که بچه های ما با هنرهای سنتی شان انس بیشتری بگیرند و با توجه به این که زندگی هر روز در حال سرعت گرفتن و تغییر کردن است، بچه ها با این گونه قضایا و نوع جدید زندگی صنعتی بیگانه نباشند. ژاپنی ها و چینی ها این کار را با موفقیت کردند و تا آمریکا هم اشاعه دادند. ما خودمان برنامه ای که ریختیم ، مربوط به سه چهار سال پیش بود و اولین کتابش هم در سال ۱۳۷۹ چاپ شد و دیدیم بازتاب خوبی دارد. هر چند همیشه عده ای افراد متعصب همین که نام موسیقی وتئاتر را می شنوند،کار شیشکنی می کنند وخیلی از مدیرها بودند که اجازه ندادند این کتاب در سطح کلاسهای بعضی از مدارس در سطح کشور پخش بشوند، منتها ما سعی خودمان را داشتیم و خوشبختانه از طرف وزیر آموزش و پرورش مورد حمایت بودیم و کار همچنان دارد سیر تکمیلی خودش را طی می کند . سعی ما بر این بوده که در کلاسهای دوره ابتدایی دیگر نمره ای برای هنر نباشد و کلاس آنقدر آزادانه باشد که بچه در حد توانایی خودش بتواند خلاقیت های خودش را بروز بدهد . موضوعات عموماً آزاد انتخاب می شوند و مثلاً هر دانش آموزی بخواهد نقاشی کند از هر مواد و رنگی که دوست دارد و در موسیقی هر نوع ملودی و ریتمی که دوست دارد استفاده کند . به ویژه که تمامی موارد اشاره شده از دل طبیعت و زندگی اجتماعی کودک استخراج شده.

شما فکر می کنید زمینه اجرای این طرح اینقدر قوی هست که بادوام جلو برود ؟تضمینی هست که حالا در تهران ، ولو کمتر، ولی در شهرستانها با مخالفت روبرو نشود؟

همینقدر بگویم که امسال از شورای ما خواستند که برای دوره راهنمایی هم برنامه ریزی داشته باشیم، یعنی از سال ۸۳ رسماً در مدارس راهنمایی هم این کار اجرا بشود . اینطورکه پیداست ، برای ۱۲ سال برنامه ریزی در حال طراحی است، و همین نشان می دهد که حمایتهای لازم انجام خواهد شد و همین قدر که تحت نظر آموزش و پرورش هست ، اسباب دلگرمی است . ما معتقدیم که بخشهای آموزش و نظارت موسیقی را حتی از وزارت ارشاد باید بگیرند و بدهند به آموزش و پرورش ، چون هیچ مکانی مهمتر و اصلح از آموزش و پرورش نیست ، چون وظیفه تربیت نسل جدید و جامعه را در اصل این وزارت خانه برعهده دارد . یعنی هر آنچه که برای آموزش و پرورش هزینه شود ، هدر نخواهد رفت. این را آموزش و پرورش به خوبی درک کرده است و افراد مجرب جذب شوراها و مدیریتها شده اند. منتها ما از یک راهکارهایی داریم استفاده می کنیم. این ادعا را نداریم که ما به بچه هایمان می خواهیم صرفاً موسیقی یاد بدهیم، ما نه ظرفیتش را داریم و نه نیرویش را، اما همین که احساس می کنیم این حمایت هست، بالطبع این شورا تیم خود را قویتر می کند که کارهای پژوهشی انجام بدهد تا بتواند این کار ناقص را که در دوره ابتدایی هست، در دوره راهنمایی تکمیل کندان شاءالله آن دیدگاه های منفی و کورکورانه را که در ذهن بعضی خانواده ها هست، برطرف بکند. متاسفانه بیشتر جریان نفی این برنامه از طرف مدیران بوده منتها چون حمایت خیلی وسیع از طرف آموزش و پرورش انجام گرفته و یک بخشنامه خیلی وسیع سراسری صادر شده و مقامات کشور هم دفاع کرده اند، ما نگرانی ای نداریم و طی پنج سال این قضیه قوام خودش را پیدا می کند و پیش خواهد رفت.

این طرح در دوره کدام وزیر بود که تصویب شد؟

در دوره آخر وزارت دکتر نجفی بود. در دوران وزارت اقای مظفر هم تصور می کردند جلویش گرفته می شود، شاید به خاطر دیدگاه شخصی شان نسبت به موسیقی بود ولی این اتفاق نیافتاد و قضیه چون از کارشناسی و علم لازم برخوردار بود با سعه ی صدر ادامه دارد.

آیا کسی بوده که این بازتابهای کار را از مدارس سراسر کشور بررسی کند یا آماربندی کند؟

بله، الان خود آموزش و پرورش یک سیستم هایی برای ارزشیابی دارد. یک سری پرسشنامه برای دانش آموزان یک سری برای اولیا و برای مسؤولان مدارس و یک سری برای متخصصین هر رشته که افراد شناخته شده در جامعه هستند، طراحی شده است. در هر کدام از مراکز استانها کسی هست که مسؤول بررسی است تا نتیجه یابی کند و نظر بدهد که مثلاً طرح ضعیف بوده یا خیر و مباحث و مسائل دیگر. همه اینها را جمع آوری کردند و مرحله ی آزمایشی آن نیز سپری شد و حتماً در نشریات رشد معلم و رشد دانش آموز به آنها پرداخته خواهد شد.

الان در مجموع چه تیراژی از کتاب منتشر شده است؟

به تعداد ۷۰ هزار جلد در هر سال یعنی نصف معلمین دوره ابتدایی در سراسر کشور یا به عبارتی هر مدرسه در ایران یک جلد. البته در ازای ۷/۵ میلیون دانش آموز مهم این بود که در تیم جدید می خواستند از افراد تازه نفس استفاده کنند، چون یک شورایی ۲۵ سال (!) داشت این کار را ادامه می داد و منظرش منحصر به نقاشی و خوشنویسی بود. اصلاً در این طرح برای مقطع ابتدایی درس خوشنویسی درج نکردیم، چون برای آموزش خوشنویسی، یک معلم باید خوشنویس باشد تا بتواند یاد بدهد و عملاً ما این دوره ها را طی کردیم و به این نکته رسیدیم که وقتمان هدر رفته است. ولی دوره خوشنویسی را برای دوره راهنمایی با تغییراتی خواهیم داشت. اصلاً قرار نیست مدارس افراد را به سمت حرفه ای شدن سوق بدهد. فقط قرار است نوعی استعدادیابی باشد و یک جور حمایت معنوی از سوی اولیا و مربیان تا تضاد پیش نیاید و در نهایت مدرسه و اولیا این موضوع را بپذیرند، که یک سری کلاسها، مثل قارچ برای موسیقی به صورت تفریحی برگزار می شود. معضل همیشگی، کلاسهای خارج از مدرسه هم هست که بدون ضابطه رشد کرده اند. یکی از بهترین اهداف این طرح این است که اعتماد خانواده ها را جلب کند و به آنها بقبولاند که یک سیستم نظارتی وجود دارد و به آینده بچه ها فکر می کند و قرار است که باعث رشد استعدادهای بچه ها بشود. کودک می تواند توانایی هایش را در مدرسه بروز بدهد و رقابتهایی ایجاد کند که در آینده زندگی او بسیار موثر خواهد بود.

چه کسانی در شورا و در ابعاد هنری و اداری این طرح مثمرثمر بودند؟

آقای مهندس علاقه مندان معاون محترم وزیر، که دیدگاه های بسیار خوبی دارند. در کنار ایشان هم آقای دکتر ملکی و آقای مهندس زرافشان. اعضای شورای اصلی آقای هادی مرزبان، آقای شریف زاده و خانم نواب صفوی ، خانم شاپوریان و بنده و بسیاری از معلمین محترم مدارس و کارشناسان خوب وزارتی هستند. ما به فراخور هر رشته از استادان دعوت می کنیم تا در این جلسه ها شرکت کنند.

از کارشناسان موسیقی که برای این طرح دلسوزی کردند و کمک دادند، چه کسانی را می توانید نام ببرید؟

می توان گفت در حد مشورت و اظهارنظر از وجودشان استفاده کردیم. آقایان: مجیدکیانی، ساسان فاطمی و هومان اسعدی و سیدعلیرضا میرعلی نقی که از ایده های خوبشان در این بخش استفاده شد.

مسؤول موسیقی شورا خودتان بودید؟

بله، ما اعضای شورا هر کدام حکمی داریم برای شورای برنامه ریزی و تالیف کتاب اموزش در هنر دوره ابتدایی که درآن ما را به عنوان کارشناس موضوعی می شناسند. ولی در اصل به همان صورت شورایی عمل می شود و شورای عالی، در نهایت نظارت و تصویب می کند. می توانیم هر هفته به تهران ویا به شهرستانها برویم سرکشی بکنیم و نتیجه را اعلام کنیم و گزارش بنویسیم که کارها تا چه مرحله ای انجام شده است و اخیراً قرار است تیم هایی را بفرستیم که آموزش های لازم را بدهند. یعنی طرح تربیت کلیه معلمین آموزش ضمن خدمت آماده است که گویا در سال ۸۲ انجام می شود. چون معلمین می گویند ما آمادگی نداریم، چطور (مثلاً) تئاتر و یا موسیقی درس بدهیم؟ در صورتی که هدف یک جور تربیت هنری و فعال کردن درونمایه بچه هاست و نباید نگران باشند. مهم
این است که چطور خلاقیت هنر
را نشان بدهند. هدف این است
کمک کنند که دانش آموزان با علا
بیشتری بروند سر این کلاس که
نمره ای هم ندارد، تا این که زنگ
سر کلاس ریاضی راحت تر و
بروند و ارتباط ها را با دیگر دروس
تجربه و لمس کنند با هر دید
شما نگاه کنید، یک مدارهایی دار
دور همدیگر هدفمند می چرخ
یعنی از موسیقی به تئاتر، از تئا
به نقاشی... در طرح های ماد
اینها به هم تلفیق شده و اصلاً
ندارد معلم با دیدگاه و ایده تخص
برود سر کلاس. ما احساس می ک
در این مقطع تحصیلی اگر
تخصصی برود سر کلاس، ش
مشکلات بیشتر بشود و درک
مشکل تر و حتی سعی بر این
که کتاب درسی از دوران ابتدا
حذف شود و بیشتر با این
دروس، به وسیله فیلم و سی
گردش های علمی به طور کارب
برخورد شود.

اصلاً موسیقی خودش تخص
ویژه ای است . اگر قرار ب
بچه هم درس بخواند، هم د
موسیقی، کشش لازم را
این اشتباهی بود که
هنرستانهای دوره سابق هم
شد، یعنی هم موسیقی بود
ریاضی و شیمی و فیزیک و...
شما چیست؟

تا حدودی این گفته شما در
است. ولی موسیقی از ریاضی و فیز
و حتی دروس انسانی دور که نیس
بلکه لازم و ملزوم یکدیگرند. موسی
همه اینهاست و چه بسا وسیع تر
نکته مهم ، حساسیت بر روی درو
تخصصی است که می بایست اند
شود و به نوعی احتیاج به بالاتر
تغییر نگرش اساسی دارد. به خصو
در هنرستانها و دانشکده ها ولی
مقاطع ابتدایی و راهنمایی ج
چیزی عمومیت ندارد و می بایس
موسیقی را از زاویه های گوناگون
ویژه بحث طبیعت و کاربرد آن
زندگی جستجو کرد. نکته مهم ا
این که این طرح براساس تمام موقع
جغرافیایی این کشور قابل اجراس
طوری طراحی شده که هر معلم
هر جای ایران هر موسیقی خا
خودش را می تواند معرفی کند و م
نیازی ندارد که حتماً متعلق به منط
خاصی باشد.اشاعه فرهنگهای بوم
محلی در اولویت کار ما قرار دار
خوشبختانه از آنجا که در هر منط
موسیقی خاصی وجود دارد، این ط
در درازمدت با جامعیت بیشتری
اجرا است.

نویدِ صداهایی که خواهند آمد

سیدعلیرضا
میرعلی نقی

□ **در حاشیه کنسرت ۱۹ مرداد ماه ارکستر خانه هنرمندان ایران.**

■ تشکیل ارکسترهای مختلف در مراکز مختلف فرهنگی، در سطح تهران (و ندرتاً در چند شهر دیگر مانند اصفهان)، نشان دهنده نیازی است که دوستداران موسیقی از مدتها پیش حس کرده و برای رفع آن گام برداشته اند. در این چند ماهی که از آغاز سال ۱۳۸۱ گذشته، هر چند هفته یک بار خبر تشکیل یک گروه دیگر ارکستر جدید می رسد و برخلاف دو دهه گذشته که بیشتر فعالیت ها در دایره بسته گروه نوازی با سازهای سنتی در جا می زده، اکنون با تنوع و گوناگونی قابل توجهی از فرم های ارکستری مواجه هستیم. فرم هایی که هر یک از آنها به شرط هوشمندی و استعداد و پشتکار دست اندرکارانشان، شاید محملِ موسیقی های جدید و صداهای جدیدتری باشند. اگر دهه های گذشته، عرصه رشد فرهنگ تکنوازی بود، دهه های آینده، عصر رشد کارهای گروهی است و آهنگسازانی که از دانش روز برای بیان تجربه های درونی خود استفاده می کنند و بی تردید بخشی مهم از موسیقی کشور را رقم خواهند زد.

■ برنامه کنسرت شامل آثاری از آهنگسازان ایرانی (حسین دهلوی، عباس ابوحمزه واکبر فخر) و تعدادی آثار کلاسیک از آهنگسازان اروپایی (بتهوون، برامس، ویوالدی و آلبینونی) بود. از این بین، عباس ابوحمزه و اکبر فخر، خود سازنده آثاری هستند که در این برنامه اجرا شد و نفر آخر خود رهبری ارکستر را به عهده داشت با انرژی و صداقت فراوانی که در لحظاتی بسیار گیرا و جذاب به گوش می رسید.

در این برنامه، دوازده نوازنده ویولون ، سه نفر نوازنده آلتو، چهار نوازنده ویولونسل، یک نوازنده کنترباس و یک نوازنده پیانو، قطعات را اجرا می کردند. از امکانات محدود موجود، به دقت استفاده شده بود تا اجرایی گوشنواز و در خور را بیافرینند و با این که تبلیغ لازم برای معرفی برنامه های این ارکستر به عمل نیامده بود، تعداد حاضران در سالن قابل توجه بود. از بخش اول برنامه، قطعه آداجیو (از آلبینونی) با درک و حضور بیشتری نسبت به سایر قطعات اجرا شد و موکداً، قطعه خروش (اثر اکبر فخر) واجد شادابی و نیرومندی ویژه ای بود که توجه شنوندگان غیرحرفه ای را نیز برانگیخت و شاید بیش از سایر قطعاتی که هر کدام از آنها را ده ها بار از رادیو و تلویزیون و نوار کاست شنیده ایم، در یادها باقی ماند. همچنین قطعه زیبای «به یاد دوست» (اثر عباس ابوحمزه - تقدیم به ارسلان کامکار) که هردوی این قطعات، حاکی از دانش فنی سازندگانشان بودند.

به نظر می رسد که در انتخاب آهنگ ها سعی شده برای ایجاد تنوع و تعادل بین آنها از آثار متنوعی استفاده شود و در این انتخاب مؤلفه هایی مانند: سطح توانایی های فردی و گروهی (از حیث تکنیک نوازندگی و موزیکالیته)، آشنایی با فرم، امکان اجرا با سازهای ارکستر زهی، بیان شیوا و رسا، اجرای دقیق علائم، رعایت سرعت های اصلی، دقت در اجرای نوانس ها و ... مورد نظر بوده است. قطعه «به زندان» اثر استاد ابوالحسن صبا، با تنظیم و ارکستراسیون آقای حسین دهلوی، دارای تغییراتی در ارکستراسیون آن شده است. در پارتیتور اصلی سازهای بادی و سازهای سنتی (سنتور و تار و...) هست که در این ارکستر به لحاظ کمبود امکانات، فقدان سازهای سنتی و شکل از پیش در نظر گرفته شده برای اجرای کل قطعات، پیانو در نقش همراهی کننده و مجری صداهای مربوط به بخش های فوق الذکر به کار برده شده است. همچنین قطعه معروف بیات اصفهان اثر استاد جواد معروفی در اصل برای پیانو نوشته شده است که آقای فخر آن را برای ارکستر تنظیم کرده بودند و سعی داشتند که فضای ایرانی قطعه و حال و هوای آشنای بیات اصفهان در این تنظیم حفظ شود.

تمرینات گروه از اوایل دی ماه شروع شد ولی عملاً به خاطرمسائل و مشکلاتی که آشنای همه است، تا این ماه طول کشید و به بیش از دوازده جلسه بالغ نشد. ولی پیوند اعضای گروه و انگیزه های غیرمادی آنها باعث شد که اهل فن، تمریناتی بیش از این حد را برای آنها بپندارند. رسیدن به حد ایده آل در اجرا و همدلی هایی که سطح اجرا را بالا می برد، آرزوی هرگروهی است و هدف بیشتر گروههای جوان نیز همین است. گروههایی که خوشبختانه جذب بازار ضبط های استودیویی و حضور مداوم در نوارهای هزار و یک رنگ (از سنتی تا پاپ نوع «صدا و سیمایی») نشده اند و هنوز به موسیقی جدی و جدیت در موسیقی فکر می کنند.

□ در کنار همه این عوامل که به بهبود کیفی این برنامه کمک کردند، باید از مدیریت قوی و جدی آقای بهمن یحیازاده نام برد که به تصریح اعضای ارکستر نقش اساسی در پیشرفت کار داشته اند. همچنین از تک نوازی درخشان آقای نوید مصطفی زاده، ویولونیست نوزده ساله ای که با تکنیک قوی و موزیکالیته ای نافذ، در همان دقایق اندکی که برای تک نوازی فرصت داشت، جرقه هایی از آینده روشن خود دراین کار را نشان داد. مصطفی پور، ماه گذشته در برنامه رادیویی «نیستان»، به یاد استاد فقید حسینعلی ملاح تک نوازی کرد و مورد تحسین شنوندگانش قرار گرفت. بی تردید حضور مستمر او در این کنسرت ها، امیدوارکننده و جاذب خواهد بود.

سلوک بی موزه بر کویر

صد سال سنتور : آثاری ازسنتور نوازان برگزیده از عصر قاجار تا کنون. (بامقدمه استاد مجید کیانی).

مؤسسه فرهنگی هنری ماهور ، نواروسی .دی ، ۷۲ دقیقه.

آلبوم های "صدسال ..." ی که مؤسسه فرهنگی هنری ماهور اخیراً انتشار داده است، نه آنتولوژی به معنی متعارف آن بلکه کوشش و تلاشی است برای مرور در آثار موجود موسیقی صد سال گذشته مان. البته بااتکا به اسناد ضبط شده ای که در دست داریم. با توجه به این نکته بدیهی که تاریخ ضبط موسیقی در ایران هنوز به صدمین سال نرسیده است. آنچه که در دست است ، ازکیفیت صوتی خوب و مطلوبی برخوردار نیست.در واقع، حرکت جدی ضبط آثار موسیقی در ایران با عنایت به موارد فنی ، حداکثر مربوط به چهل سال گذشته است.حرکتی که از ضبط ردیف اساتید قدیم در استودیوهای مراکز دولتی شروع شد ودر دهه اخیر با رشد و پیشرفت فنی چشمگیر تکنولوژی ضبط صدا و برپایی استودیوهای خصوصی در منازل ، ابعاد قابل تامل یافته است. اگرچه به قول تعدادی از صاحب نظران، این پیشرفت فنی درایران، نیم قرن دیرآمده است. وسایل ضبط و نگهداری صوت به حد اعلا رسیده اند ولی دیگر از امثال حبیب سماعی و ابوالحسن صبا اثری نیست.

آلبوم صد سال سنتور ، یادگاری است از نواخته های ده هنرمند چیره دست این ساز، از اواخر عصر قاجار تا کنون، که از علی اکبرخان شاهی آغاز می شود وبا پرویز مشکاتیان - آخرین سنتور نواز صاحب لحن اختصاصی در موسیقی معاصر - پایان می یابد. به نظر می رسد که از هر شیوه و سبک شاخص، بهترین ها و برگزیده ترین ها انتخاب شده اند و توضیحاتی که استاد مجید کیانی در بروشور سی.دی داده اند، مراتب شناخت هنری را برای افرادی که به طور حرفه ای در شناخت سبک های سنتور نوازی وارد نیستند، آسان تر می کند.

هنرمندانی که در آلبوم صدسال سنتور آثاری به یادگار دارند عبارتند از: علی اکبر شاهی ، حسن خان سنتوری، حبیب سَماعی، حسین صبا، حسین ملک، رضا ورزنده، فرامرز پایور، منصور صارمی، مجید کیانی و پرویز مشکاتیان. ترتیب قرار گرفتن هنرمندان براساس تاریخ تولدآنها بوده وکیفیت ضبط نیز خوانا وگویا است و ازحسن سلیقه گردآورنده آن (آقای سیامک بنایی) حکایت می کند. زمان قطعات انتخاب شده نیز باتوجه به فقر آرشیوهای موجود و نیز مشکلاتی که در به دست آوردن آنها هست، متناسب است وکل مجموعه «صد سال سنتور» انسجام و تمامیتی مطلوب را نشان می دهد.

موسیقی در رسانه ها

□ برنامه «سرگذشت رادیو» هر پنجشنبه بعدازظهر به مدت ۱ دقیقه از ساعت ۱۳،۴۰ تا ۱۴،۰۰ از شبکه تهران (موج AM1332,FM95) پخش می شود. تهیه کننده آن، آقای محمد مهاجر وگو ینده، خانم مهین نثری هستند. این برنامه "در گروه طرح و برنامه شبکه تهران: تهیه می شود و به تاریخچه شکل گیری و تکامل رادیو (شاخه های مختلف هنری ـ فنی آن) اختصاص دارد. برنامه ، ترکیبی است از گفتار متن و موسیقی و صدای افراد (چه مرحوم و چه در قید حیات)که به نحوی در سرگذشت این رسانه سرنوشت ساز نقش داشته اند.

■ برنامه شناخت آثار به گزیده موسیقی کلاسیک، به عنوان بخشی از "پیام صبحگاهی: روزهای جمعه از رادیو پیام (موج AM1188,FM104) پخش می شود. نویسنده و تهیه کننده آن خانم آشاشهیدی و گوینده آن آقای میکائیل شهرستانی است.

توضیح در باره یک خبر

احتراماً نظر به درج خبر برگزاری جشنواره استاد پایور درشماره ۲۲۰۱ مورخ شنبه ۱۲ مرداد، توضیح می دهد که این جشنواره به همت کانون موسیقی دانشگاه تهران در روزهای پنجم و ششم خرداد ماه ۱۳۸۱ با حضور بیش از ۸۰نفر شرکت کننده از دانشگاه های سراسر کشور در دوره راست کوک و چپ کوک به صورت مسابقه روی قطعات استاد پایوردر تالار الغدیر دانشگاه تهران برگزار و در پایان به برگزیدگان اول تا سوم هر دو رده نیز جوایزی اهدا شد.

لازم به ذکر است مفاد مسابقه و هیئت داوران توسط خود،استاد پایور انتخاب شده بودند. ضمناً این جشنواره هر سال در دانشگاه تهران برگزار خواهد شد.

علی بهرامی
دبیر کانون موسیقی دانشگاه تهران

تصحیح یک خبر

در شماره اول ویژه نامه مورخ ۸۱،۵،۱۲ ص۲۲ در یادداشت صدای همدردی و آوار دردها برنامه ی آقای سید عبدالحسین مختاباد - بانی نخستین کنسرت به نفع زلزله زدگان - و گروه او به دعوت مدیریت مرکز موسیقی در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و با همکاری صمیمانه مسؤولان تالار اندیشه بوده است: که در آن یادداشت به صورت ناقص آمده است و بدینوسیله تصحیح می شود. متأسفانه به خاطر مسائل موجود در صفحه بندی و کمبود جا، نتوانستیم عکس های مربوط به کنسرت و خواننده را درج کنیم.